**جلسه 50-162**

**دو‌شنبه - 18/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به بحث تیاسر مرحوم شیخ طوسی ظاهر کلام‌شان وجوب تیاسر هست برای اهل عراق. این مطلب را هم در خلاف فرمودند و فرمودند علیه اجماع الفرقة و هم در مبسوط و نهایة فرمودند.

ولی مشهور بین اصحاب استحباب تیاسر است.

مرحوم محقق حلی وقتی که خواجه نصیر به ایشان ایراد گرفت، گفت تیاسر از کدام نقطه حساب می‌‌شود؟ شما می‌‌گویید یستحب التیاسر، تیاسر از چه نقطه و چه جهت؟ تیاسر از قبله؟ که می‌‌شود انحراف از قبله به غیر قبله. تیاسر از غیر قبله به قبله؟ این‌ که واجب است. اگر شما می‌‌گویید تیاسر از قبله است به غیر قبله که این جایز نیست. فولوا وجوهکم شطر المسجد الحرام. اگر تیاسر از غیر قبله است به قبله، این واجب است. استحباب تیاسر یعنی چه؟ محقق حلی هم یک رساله‌ای نوشته، در این رسائل ایشان‌ که چاپ شده این رساله هست. در آنجا اگر مراجعه بفرمایید الرسائل التسع صفحه 327، می‌‌گوید ما این را روی مبنای کسانی توجیه می‌‌کنیم که قائلند قبله بعید حرم است. چون طرف چپ حرم حدودا دوبرابر طرف راست حرم است و کعبه مرکز این حرم نیست. کسی که روبروی رکن عراقی قرار می‌‌گیرد که اهل عراق این‌طور هستند، حرم از سمت چپ‌شان بزرگتر است تا از سمت راست و لذا خوف این هست که اگر تیاسر نکنند خطی که از این‌ها خارج می‌‌شود به حرم نخورد. چون یمین کعبه خیلی حرم در آنجا طولانی نیست. پس مستحب است تیاسر کنند تا به سمت چپ کعبه قرار بگیرند که حرم در آنجا امتداد دارد. و لکن ما چون که مبنای‌مان این است، محقق حلی فرموده که قبله و لو برای بعید سمت الکعبة است، جهة الکعبة است نه حرم و لذا طبق مبنای ما تیاسر استحبابی ندارد. و لذا در مختصر النافع گفته و قیل یستحب لاهل العراق التیاسر قلیلا.

ولی مشکل با این حل نمی‌شود. برای افرادی که بعید هستند استقبال کعبه و استقبال حرم یکی است. به قول امام، شما هر چه دورتر بشوید از کعبه آن منطقه‌ای که کعبه در آن واقع شده کل آن منطقه را می‌‌توانید استقبال کنید. در ماه استقبال کره زمین یعنی استقبال کعبه. و لذا انحراف کم در عراق اصلا تاثیری ندارد چون این خطی که از انسان خارج می‌‌شود به سمت مکه با این انحراف کم چنان آن خط اختلاف پیدا می‌‌کند که آن ده کیلومتر امتداد بیشتر حرم از سمت چپ در او به حساب نمی‌آید.

و اساسا اشکال محقق طوسی جواب داده نشد. تیاسر از کجا؟ از جنوب؟ بابا! قبله عراق بیست درجه از جنوب متمایل به راست است به سمت غرب، شما می‌‌گویید از جنوب به سمت چپ ما متیاسر بشویم؟ اگر می‌‌گویید ما همان بیست درجه انحراف قبله عراق را که تشخیص دادیم مستحب است یک مقدار انحراف را کم کنیم از سمت جنوب، ‌ده درجه انحراف از جنوب به سمت راست که سمت غرب است، بشود مثلا ده درجه انحراف یا کاملا سمت جنوب بایستیم، ‌فوقش این جایز باشد استحبابش برای چی؟ با آن تعلیل هم نمی‌سازد که گفتید که حرم سمت چپش بزرگتر است.

علامه مجلسی این‌جور توجیه کرده در بحار، فرموده که ما این‌جور توجیه می‌‌کنیم که قبله زمان خلفاء در عراق بیش از بیست درجه از جنوب به سمت غرب، به سمت راست انحراف پیدا کرده بوده‌، یعنی محراب مساجد در زمان خلفاء با بیش از بیست درجه انحراف از جنوب به سمت غرب، به سمت راست ساخته می‌‌شد. ایشان می‌‌فرمایند آنی که برای ما نقل کردند این است. و لذا ائمه خب نمی‌شد که صریحا بفرمایند کار خلفاء اشتباه است، خب مسجد کوفه را خلیفه دوم دستور داد، ‌حالا یا بالاخره امراء او مسجد کوفه را ساختند، ‌امیرالمؤمنین تشریف آورد مسجد کوفه، بخواهند طبق محرابی که خلیفه دوم یا امیر از طرف او بناء کرد نماز بخوانند انحرافش از جهت جنوب بیش از بیست درجه می‌‌شد، مثلا چهل درجه می‌‌شد، امام فرمود مستحب است تیاسر که چهل درجه انحراف از جنوب به سمت غرب وقتی که تیاسر کنید بر می‌‌گردد به همان بیست درجه انحراف که قبله حقیقی هست.

ایشان فرموده است این تعلیل‌هایی هم در روایت مفضل بن عمر ذکر شده اسکاتی بوده.

نگویید آقا! محراب مسجد کوفه محراب امیرالمؤمنین بوده است.

اولا: کی می‌‌گوید زمان امیرالمؤمنین اینگونه محرابش بود؟

ثانیا: کی می‌‌گوید امیرالمؤمنین مستقیم به سمت این محراب می‌آیستاد؟ ظاهر بعض اخبار این است که این بناء، بناء قبل از امیرالمؤمنین بود و امام زمان علیه السلام منهدم می‌‌کنند محراب مسجد کوفه را و سوّاه، محراب را به سمت حقیقی قبله بناء می‌‌کنند.

[سؤال: ... جواب:] روایت صحیحه نیست ولی روایت هست.

بحار جلد 81 صفحه 53 ایشان فرموده‌اند که بل ظهر لی من بعض ما سنح لنا من الآثار القدیمة عند تعمیر المسجد فی زماننا ما یدل علی خلافه. مسجد کوفه را که تعمیر می‌‌کردند محراب قدیمی‌اش را که شکافتند دیدند فرق می‌‌کرد با محراب جدید.

ایشان بالاتر گفتند، ‌گفتند محراب مسجد النبی را هم تغییر دادند. انحراف قبله مدینه به سمت چپ، به سمت یسار تقریبا سی درجه است در حالی که این‌ها به نحو دیگری محراب مسجد النبی را ساختند.

ما نمی‌فهمیم این فرمایشات علامه مجلسی را:

این مسجد النبی که الان هست و محرابش الان هست و در تاریخ هم ثبت نشده که در تاریخ تغییری در محراب مسجد النبی حاصل شده، دقیق روبروی کعبه است. مرحوم سردار کابلی این شایعه‌ای که در بحار هست که انحراف دارد قبله مسجد النبی، بررسی کرد دید دقیق، مستقیم محراب پیامبر روبروی کعبه است. و الان هم با این ابزارهای علمی که بررسی می‌‌کنند همین‌طور است. کدام انحراف سی درجه به سمت چپ؟! اصلا مسجد النبی و مدینه منوره دقیق در شمال مکه است با اختلاف بسیار کم. کسی به سمت جنوب بایستد دقیق به سمت کعبه ایستاده. انحرافی ندارد.

اما راجع به مسجد کوفه، این محرابی که ما الان می‌‌بینیم قبله حقیقی مقداری متمایل به سمت راست آن است. حدودا سه چهار درجه است. پس این‌که ما بگوییم که از جنوب مثلا چهل درجه این‌ها به سمت راست می‌‌رفتند قبله را بناء‌ می‌‌کردند، محراب را بناء می‌‌کردند. ائمه دیدند خیلی این‌ها افراط کردند فرمودند یستحب التیاسر. چهل درجه را از سمت جنوب وقتی شما به سمت چپ تیاسر کنید می‌‌شود بیست درجه به سمت جنوب، چهل درجه می‌‌شود بیست درجه حدودا، بیست درجه می‌‌شود استقبال حقیقی قبله. خب این‌ها شاهدی ندارد، ‌ما نمی‌دانیم. خیلی بعید است که تمام محراب‌های مساجد عراق را خلفاء عامه منحرف به سمت غرب بناء‌ می‌‌کردند بیش از آن انحراف واقعی که دارد. جامع ابوحنیفة در بغداد هست، بعید می‌‌دانم که این انحرافی که علامه مجلسی می‌‌گویند در آنجا باشد. ما در نجف، در کاظمین، آنی که می‌‌بینیم قبله حقیقی حدودا بیست درجه منحرف است به سمت راست از آن ظاهر قبر شریف که بناء شده است در نجف و در کاظمین. یعنی ما برای تدقیق در قبله باید بیست درجه از جهت قبر شریف منحرف بشویم به سمت راست. احتمال ندارد که در یک زمانی قضیه بر عکس بوده و جهت قبله در زمان خلفاء از سمت جنوب چون این قبر شریف در نجف و کاظمین دقیق به سمت جنوب است، ما ظاهر قبر را می‌‌گوییم، ‌ظاهر قبر شریف دقیق به سمت جنوب است، آن وقت شما می‌‌گویید که قبله در زمان قدیم در کوفه و بغداد مثلا چهل درجه به سمت راست بناء می‌‌شده در مساجد عامه بعد ائمه هم، فقهاء هم برای این‌که علنی با آن‌ها مخالفت نکنند گفتند یستحب التیاسر، چهل انحراف به سمت راست یعنی غرب را کمش کنید، تیاسر کنید یعنی بپچید به سمت جنوب که انحراف بشود بیست درجه و مواجه بشوید با قبله حقیقی، این‌ها از نظر تاریخی خیلی بعید است. من نمی‌دانم حالا علامه مجلسی فرمودند.

[سؤال: ... جواب:] روایت هم روایت ضعیفه است و قابل توجیه نیست.

این را دقت کنید! ما باید حواس‌مان باشد، انحراف قبله در عراق در شهرهای مختلف فرق می‌‌کند. بصره با سامراء این‌ها کاملا فرق می‌‌کند، سامراء خیلی اختلاف ندارد. اما کوفه و نجف که وسط واقع شده، کوفه، نجف، بغداد این‌ها بیست درجه به سمت راست انحراف دارند، ‌به سمت راست از نقطه جنوب یعنی وقتی موقع ظهر می‌آیستید طرف خورشید، که اگر می‌‌خواهید دقیق بایستید طرف خورشید دائره هندیه درست کنید آن خطی که از شمال به جنوب می‌‌رود آن خط می‌‌شود خط جنوب، ‌بیست درجه به سمت راست بچرخید در کوفه و نجف می‌‌شود قبله. در قم سی و نه درجه باید به سمت راست بپیچیم. چون این قبله‌نماها قطب‌نما است یعنی جهت شمال را نشان می‌‌دهد و جهت جنوب را، ما باید خودمان تنظیم کنیم، سی و نه درجه از جهت جنوب که آن خطش، آن اصل آن قطب‌نمایش مشخص می‌‌کند، ‌سی و نه درجه به سمت راست، یعنی به سمت غرب بپیچیم تا بشود استقبال قبله در قم. بعضی از شهرهای ایران تا چهل درجه و این‌ها هم [می رسد]، مشهد چهل و دو درجه است.

این راجع به این مطلب.

اما راجع به مسائلی که مطرح بود: یکی از مسائلی که مرحوم آقای خوئی مطرح کرده و مناسب است متذکر بشویم این است که فرمودند این‌که صاحب عروه می‌‌گوید یجب تحصیل الظن الاقوی، این موهم این معناست که تعیینا لازم است تحصیل ظن اقوی در حالی که این‌طور نیست. می‌‌شود انسان تحصیل علم نکند، تحصیل ظن هم نکند، عمل به احتیاط بکند.

ما به نظرمان مطلب، مطلب درستی است ولی نباید اشکال به صاحب عروه کرد. صاحب عروه وقتی می‌‌گوید یجب تحصیل الظن الاقوی یعنی لایجوز الاعتماد علی الوهم و الا از اول عروه گفت که انسان می‌‌تواند عمل به احتیاط بکند و لو مستلزم تکرار نماز باشد. از نظر آقای بروجردی می‌‌شود چهار نماز بخوانیم با اختلاف نود درجه و لو امکان تحصیل علم هست. چون ما بین المشرق و المغرب قبلة را آقای بروجردی این‌جور معنا کرد. آقای خوئی فرمودند هفت نماز بخوانیم که یقینا یا به سمت قبله باشد یکی از این هفت نماز یا انحرافش از قبله بیست و شش درجه بیشتر نباشد. این می‌‌شود عمل به احتیاط. تحصیل علم، تحصیل ظن، ‌این‌ها لازم نیست.

ما با آن مطالبی که گفتیم در حال جهل بیست درجه انحراف اشکال ندارد و عمده دلیل‌مان سیره متشرعه بود و این روایات استدبار جدی، چون ما معتقدیم روایات استدبار جدی تدقیق نکرد، استدبار جدی یعنی سمت جنوب ایستادن، خب قبله که به سمت جنوب نیست بطور دقیق. و خود روایت محمد بن مسلم امام فرمود ضع الجدی فی قفاک و صل و انصاف این است که آن اشکال که بگوییم شاید موردش قبله در مدینه است، این خلاف ظاهر است. چون اگر قرینه‌ای بود که فقط قبله مدینه را سؤال می‌‌کرد خلاف وثاقت است که این قرینه را ذکر نکند و مردم به اشتباه بیفتند و لذا حداقل اطلاق این روایت شهر کوفه را که مسکن اصلی محمد بن مسلم ثقفی بوده شامل می‌‌شود که انحرافش با جنوب از جهت مواجه با قبله بیست درجه است. امام نفرمود بروید بیشتر تحقیق کنید، واجب است به نحوی مواجهه کنید با جدی که جدی خلف منکب ایمن‌تان باشد تا انحراف بیست درجه از جهت جنوب مراعات بشود. این‌ها را امام نفرمود. و لذا برای جاهل از جهت قبله تا بیست درجه انحراف مسموح هست و لو متمکن از تحصیل علم باشد. آن وقت بیشتر از هفت نماز باید بخواند اگر نمی‌خواهد احتیاط کند.

[سؤال: ... جواب:] ما بین المشرق و المغرب قبلة انصافا ارتکاز متشرعی کنارش هست که اباء دارد از این‌که این را حمل کنیم بر اطلاقش. چون اگر بخواهیم بگوییم مطلق است شامل متعمد هم می‌‌شود. ... حتی نسبت به جاهلی که متمکن از تحصیل علم است، انحراف کمتر از نود درجه، هشتاد و پنج درجه انحراف از قبله؟ خب این خلاف مرتکز متشرعی است با این‌که می‌‌توانست سؤال کند. و لذا ما یصلح للقرینیة داریم که این بگوییم اطلاق ندارد و فقط ناسی و یا جاهل غافل یا معتقد به جهت قبله را شامل می‌‌شود و اطلاق ندارد.

مسأله 6: اذا حصر القبلة فی جهتین بان علم انها لاتخرج عن احداهما وجب علیه تکرار الصلاة. اگر قبله منحصر باشد به دو جهت، نه به چهار جهت قبله مشکوک بشود، نه، دو جهت یقینا قبله نیست، یا قبله این جهت است یا آن جهت دوم، صاحب عروه گفته یجب علیه تکرار الصلاة، دو تا نماز بخواند مگر یکی مظنون باشد و دیگری موهوم. خب این می‌‌شود یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة فیکتفی بالاولی، اکتفاء می‌‌کند به آن جهت مظنونه.

و اذا حصر فیهما ظنا فکذلک یکرر فیهما. اگر یقین ندارد که قبله منحصر است به یکی از این دو جهت، ظن دارد ولی احتمال موهوم می‌‌دهد که قبله در آن دو جهت دیگر باشد، احتمال موهوم می‌‌دهد اما مظنونش این است که قبله یا سمت راستش است یا روبرویش، اما این‌که سمت چپش باشد یا پشت سر، این موهوم است. صاحب عروه گفته که خب به نظر ما دو تا نماز بخواند، یک نماز به این جهت مظنونه یک نماز به آن جهت مظنونه. فرض این است که ظن هر دو مساوی است، فقط ظن دارد که قبله یا دست راست است یا روبرو اما این‌که دست راست است یا روبرو این‌ها احتمال‌شان مساوی است، یکرر الصلاة فیهما. و لو احتیاط مستحب این است که حکم متحیر را بار کند، ‌چهار تا نماز بخواند.

مرحوم آقای خوئی فرموده حق با صاحب عروه است. برای این‌که یجزی التحری اطلاق دارد؛ تحری و لو تحری نسبی. من تحری کردم فهمیدم قبله پشت سرم و دست چپم نیست، ‌یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة. اما چون نمی‌دانم قبله روبرویم هست یا دست راستم، احتیاط می‌‌کنم، تکرار می‌‌کنم نماز را.

اما نفرمود که چقدر تکرار بکنم نماز را؟ صاحب عروه مشخص کرد، گفت دو تا نماز، یک نماز روبرو یک نماز به طرف راست؛ اختلاف‌شان نود درجه. اما آقای خوئی نفرمود چند تا نماز. چون اگر ما بین المشرق و المغرب قبلة را قبول کنیم در حق جاهل ملتفت، چه بسا یک نماز هم بخواند کافی است. چرا؟ برای این‌که اگر بداند یا قبله روبرو است یا دست راست...

[سؤال: ... جواب:] گمان دارد، فرض این است که یجزی التحری.

نسبت به این‌که آن پشت سرش قبله نباشد، دست چپش قبله نباشد حجت پیدا کرد، یجزی التحری. امر دائر شد بین این‌که روبرویش قبله باشد یا دست راستش، خب اگر گفتیم ما بین المشرق و المغرب قبلة شامل جاهل ملتفت هم می‌‌شود یک نماز بخواند کافی است. اگر گفتیم نه، این ما بین المشرق و المغرب قبلة شامل جاهل ملتفت نمی‌شود، باید چند تا نماز بخواند که اختلاف‌شان پنجاه و دو درجه بیشتر نباشد، یا به سمت قبله نماز بخواند یا انحرافش بیست و شش درجه بیشتر از قبله نباشد. این گاهی دو تا نماز می‌‌شود گاهی بیشتر از دو تا نماز می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] نه، نقطه را که همیشه تشخیص نمی‌دهد نقطه جنوب و نقطه غرب را. گاهی دوران امر است بین دو جهت که می‌‌گوییم، اولا دو جهت گاهی کنار هم است، ‌گاهی دو جهت مقابل هم است. این‌ها را که ذکر نکردند این‌ها فرق می‌‌کند. آن وقت آن دو جهت کنار هم آیا علم اجمالی دارد که قبله یا این نقطه است یا این نقطه یا نه، ‌قبله یا در این جهت نود درجه است یا در این جهت نود درجه. این‌ها فرق می‌‌کند. فرض این است تحری‌اش به جایی نرسید، تحری‌اش فقط به اینجا رسید، ‌ظن پیدا کرد که در آن دو جهت دیگر قبله نیست، تحری و اجتهاد ظنی‌اش به اینجا رسید اما حصرت القبلة فی الجهتین ظنا، خب این فروضی دارد. صاحب عروه روشن است می‌‌گوید در همان دو جهت مظنونه نماز بخواند اما آقای خوئی همین‌جور فرمود یکرر الصلاة فیهما شاید واگذار کرد که خود شما زحمتش را بکشید. خود ایشان هم همیشه مردد صحبت می‌‌کند. اگر گفتیم ما بین المشرق و المغرب قبلة شامل جاهل ملتفت می‌‌شود یک نماز بخوانید که یا طرف قبله باشد یا انحرافش از قبله نود درجه یا بیشتر نباشد و اگر هم گفتیم نه، ما بین المشرق و المغرب قبلة‌ شامل جاهل ملتفت نمی‌شود ایشان فرموده که جوری نماز بخوانید که یا به طرف قبله باشد یا انحرافش از قبله بیشتر از بیست و شش درجه نباشد.

ما عرض‌مان این است که چرا یجزی المتحیر اینما توجه اذا لم یعلم این وجه القبلة شامل متحیر نسبی نشود؟ عجبا! یجزی التحری شامل تحری نسبی شد به نظر شما و لکن یجزی المتحیر شامل متحیر نسبی نمی‌شود؟! خب این آقا متحیر نسبی است.

مگر بگویید در یجزی المتحیر قرینه داریم بر این‌که متحیر نسبی را شامل نمی‌شود اما در یجزی التحری همچون قرینه‌ای نداریم. در یجزی المتحیر داریم اینما توجه، ‌یجزی المتحیر اینما توجه اذا لم یعلم این وجه القبلة یا در مرسله ابن ابی عمیر داشتیم قبلة المتحیر این یصلی کیف یشاء. اینی است که ما می‌‌گوییم متحیر شامل متحیر نسبی نمی‌شود. اگر بفهمد که یک جهت قبله نیست، ‌حالا یا علما بفهمد یا ظنا، دیگه از متحیر مطلق خارج می‌‌شود؛ می‌‌شود متحیر نسبی. متحیر نسبی هم تسهیل در حقش ندادند، ‌نگفتند که یصلی کیف شاء، یجزی المتحیر اینما توجه اذا لم یعلم این وجه القبلة و لکن یجزی التحری می‌‌تواند شاملش بشود. اگر ظن دارد که یکی از این دو سمت قبله است دیگه لازم نیست احتیاط بکند به همین دو سمت نماز می‌‌خواند.

و لکن به نظر ما یجزی المتحیر اینما توجه یعنی اینما توجه فی جوانب تحیره. متحیر مجزی است هر سمتی نماز بخواند یعنی هر سمتی که احتمال می‌‌دهد قبله باشد. و لذا ما معتقدیم که اگر ظنش به این است که قبله یکی از این دو جهت است یا یکی از این سه جهت است لازم نیست احتیاط بکند.

[سؤال: ... جواب:] به هر دو ملتزم می‌‌شویم. به آن سمت موهوم نمی‌توانی نماز بخوانی. ... یجزی التحری. تحری یعنی اجتهاد ظنی، اجتهاد ظنی مجزی است. یعنی وقتی که ظن پیدا کردی که قبله آن جهت موهومه نیست دیگه به آن سمت نماز نخوان اما سه جهت دیگه است، ‌در ظن تو همه مساوی هستند این سه جهت یا این دو جهت، ‌خب یجزی المتحیر اینما توجه اذا لم یعلم این وجه القبلة.

حالا این چیزی که به ذهن ما می‌آید و لکن اولی احتیاط هست در تحیر نسبی به این‌که اگر ظن به یک جهت خاصه‌ای پیدا نکردیم، احتیاط کنیم به چند جهت نماز بخوانیم و لکن مقتضای احتیاط این نیست که فقط اگر دو جهت است دو نماز بخوانیم، اگر سه جهت است سه نماز بخوانیم. نه، اینجا باید با اختلاف بیست درجه نماز بخوانیم، آقای خوئی طبق بیان‌شان با اختلاف بیست و سه درجه. یعنی عملا می‌‌شود چهل درجه. یا سمت قبله است یا بیست درجه انحراف دارد، عملا بین دو تا نماز چهل درجه که فاصله بود کافی می‌‌شود. چون چهل درجه که بین دو نماز فاصله باشد یا نمازم به سمت قبله است یا قطعا انحرافش بیشتر از بیست درجه نیست.

این راجع به این مطلب.

مسأله 7 ان‌شاءالله فردا بحث می‌‌کنیم.